

آینده رشد جمعیت جهان

سیاستمداران و جمعیت شناسان، اقتصاددانان و کارشناسان برنامه ریزی خانواده و بزرگان علوم اجتماعی، به تازگی در شهر مکزیکوسیتی گرد هم آمدند تا درباره موضوعی بس خطیر، یعنی رشد بی‌امان جمعیت جهان، تبادل نظر و چاره‌جویی کنند. شرکت کنندگان در این گردهمایی، البته یک خبر خوش شنیدند؛ و آن اینکه، در فاصله ده سالی که از تشکیل آخرین کنفرانس جمعیت از سوی سازمان ملل می‌گذرد، رشد جمعیت جهان از ۲ درصد به ۱/۷ درصد کاهش یافته است.

اما در برابر این آمار دلگرم کننده، خبرهای نگرانی آوری نیز در پیش روست. در طی دهه گذشته، بر شمار جمعیت جهان، ۷۷۰ میلیون نفر افزوده شد و بدین سان جمعیت زمین به ۷/۴۵ میلیارد رسید. بر پایه برآوردهای بانک جهانی، تا سال ۲۰۲۵، جمعیت جهان ممکن است به دو برابر افزایش یافته به حدود ۸/۳ میلیارد بالغ شود. از این رقم، ۷ میلیارد نفر، در کشورهای محروم و نامرغه جهان سوم ساکن خواهند بود.

شکست در مهار کردن رشد جمعیت جهان، می‌تواند عواقبی هولناک در پی داشته باشد؛ از نظر سیاسی، رشد افسار گسیخته جمعیت زمین، می‌تواند به بی‌ثباتی روز افزون، خشونت، و بیدایش رژیمهای خودکامه فراگیر در جهان، منجر شود. آیزاک آسیموف، نویسنده داستانهای تخیلی علمی که تاکنون مقاله‌های بسیاری درباره جمعیت‌شناسی نوشته، می‌گوید: "اگر رشد جمعیت به همین سان ادامه یابد، جهانی پدید خواهد آمد که در آن جای هیچ‌گونه امیدی نیست و گرسنگی و تیره‌روزی بر آن حاکم خواهد بود. در آن صورت، وضع دنیا حتی از جنگل هم بدتر خواهد شد زیرا که اکنون بشر جنگ افزارهایی در اختیار دارد که در ویرانگری و پلیدی، با جنگ و دندان به هیچ روی در خور مقایسه نیست."

سازمان ملل بر آن شد که کنفرانس جمعیت خود را در شهر مکزیکوسیتی مکزیک بر پا کند و این تصمیمی سخت شایسته و مناسب بود؛ زیرا که پایتخت مکزیک، با همه شکوه و فلاکتی که در آن به چشم می‌خورد، نمونه‌ای است از شهرهای بسیار عظیم جهان سوم که در سرآغاز فهرست مراکز عمده جمعیتی جهان قرار دارند. مدیر "کانون جمعیت و بهداشت خانواده" دانشگاه کلمبیا می‌گوید "ما غربیها خود

نتوانسته‌ایم شهرهای بزرگ خود را به خوبی اداره کنیم. آنگاه چگونه می‌توان از اندونزی، هند، مکزیک، و دیگر کشورهای جهان سوم انتظار داشت که از عهده اداره شهرهای عظیم امروزی برآیند؟

از جمله کسانی که به مسأله رشد جمعیت توجه بسیار داشته است، رابرت مکنا مارا، رئیس پیشین بانک جهانی است. وی در آخرین شمارهٔ سشریهٔ "امور خارجی" می‌نویسد که کاهش رشد جمعیت در طی دههٔ هفتاد، اعتمادی کاذب پدید آورد و بسیاری پنداشتند که می‌توان از شدت اقدامات برای پایین نگه داشتن رشد جمعیت جهان، کاست. وی همچنین می‌گوید که تجربهٔ کشور چین، که در آن به یاری قوانین بسیار سختگیرانه در مورد برنامهٔ کنترل میزان زاد و ولد، و در پیش گرفتن و تشویق سیاست تک فرزندی توانستند نرخ زاد و ولد را به نصف کاهش دهند، سبب شده است که ارقام رشد جمعیت جهان در طی دههٔ گذشته، به درستی نمایشگر وضع واقعی رشد جمعیت نباشد.

بر خلاف چین، در بسیاری از مناطق دیگر جهان، در نرخ رشد جمعیت کاهش پدید نیامده است. در واقع، در پاره‌ای از کشورهای افریقایی، در طی دههٔ گذشته نرخ ملی زاد و ولد، حتی افزایش یافته است. اکنون در کشور کینیا، میانگین تعداد فرزندان هر زن، هشت تا است. و هنگامی که این رقم را با کاهش میزان مرگ و میر نوزادان در آن کشور، در کنار هم بگذاریم، جمعیت کینیا که اکنون ۲۵ میلیون است، تا سال ۲۰۲۵، به ۸۳ میلیون نفر خواهد رسید. هندوستان که نرخ زاد و ولد در آن اکنون ۴/۷ است، تا سال ۲۰۲۵، با داشتن سکنه‌ای حدود ۱/۵ میلیارد، پرجمعیت‌ترین کشور جهان خواهد شد. در مقایسه با رقمهای یاد شده، زنان شوروی به طور میانگین ۲/۴ و زنان آمریکایی ۱/۸ فرزند دارند. این رقم برای اروپای غربی، حتی پایین‌تر از ۱/۶ است.

گرچه در طی دو دههٔ گذشته، اقتصاد کشورهای جهان سوم نرخ رشدی بیش از ایالات متحد و اروپای غربی داشته است، اما در بسیاری از این کشورها، این پیشرفت، به سبب رشد جمعیت تأثیر خود را به شدت از دست داد. برای مثال، در فاصلهٔ سالهای ۱۹۵۵ تا ۱۹۸۰، درآمد سرانه در ایالات متحد از ۷۰۰۰ دلار به ۱۳،۵۰۰ دلار افزایش یافت (به نرخ ثابت دلار در ۱۹۸۰)، در حالی که در همان مدت، درآمد سرانه در هند از ۱۷۰ دلار به ۲۶۰ دلار افزایش یافت. تا سال ۲۰۰۰، ۶۳۰ میلیون جوان وارد بازار کار کشورهای جهان سوم خواهند شد؛ این رقم برای کشورهای صنعتی، تنها ۲۰ میلیون خواهد بود. در نتیجه، دستمزدها در جهان سوم، در سطح پایین خود باقی خواهد ماند، و این ممکن است سبب شود مشاغل کارخانه‌ای، از کشورهای صنعتی به سوی کشورهای رو به توسعه جریان پیدا کند. اما بیم آن نیز هست که این امر، با برانگیختن سیاستهای حمایت اقتصادی، نظام بین‌المللی بازرگانی آزاد را به مخاطره افکند.

پاره‌ای از پیامدهای مصیبت بار رشد فزون از حد جمعیت، هم‌اکنون آشکار شده است. گذشته از گسترش افسار گسیختهٔ شهرها، کشاورزی جهان سوم نیز به نحوی فزاینده با نارسایی و ناتوانی روبروست. در کشورهایی چون هند و تانزانیا که مردم برای سوخت، از هیزم استفاده می‌کنند، ناهبودی مناطق

جنگلی ، سبب بروز مشکلات جدی در مهار سیل می شود ، نابودی زمینهای قابل کشت را سرعت می بخشد و بردشواری تلاش برای بقا می افزاید . مگامارا ، با اشاره به مورد چین ، هشدار می دهد که رشد شتابان جمعیت ممکن است سبب دخالتهای هر چه بیشتر حکومت در زندگی خصوصی و شخصی شهروندان شود ؛ دخالتهایی از عقیم سازی اجباری گرفته تا محدود کردن آزادی حرکت در داخل کشور .

بسیاری از کارشناسان جمعیت ، در عین حال که واقعیتهای بیان شده از سوی مگنامارا را می پذیرند ، لحن بدبینانه نتیجه گیریهای وی را نالازم می دانند . بنا به گفته رافائل سالاس ، مدیر اجرایی صندوق سازمان ملل برای فعالیتهای مربوط به جمعیت ، و یکی از سازمان دهندگان عمده کنفرانس جمعیت در مکزیک ، " آهنگ رشد جمعیت جهان البته مایه نگرانی است ، اما چنان نیست که موجب هراس و وحشت گردد . " ولی به این نکته اشاره می کند که بیشتر کشورهای جهان سوم ، به طور روز افزون به لزوم مهار رشد جمعیت ، واقف شده اند . بانک جهانی در نشریه " گزارش جمعیت " که در سال ۱۹۸۴ به چاپ رسید ، یاد آور شده است که اکنون ۸۵ کشور در جهان سوم که ۹۵ درصد از کل جمعیت آن را در بردارند ، نوعی طرح برنامه ریزی خانواده را ، هر چند هم که نارسا باشد ، اجرا می کنند ، ۲۷ کشور دیگر نیز هستند که در این مورد ، هیچ گونه برنامه ای ندارند . از این تعداد ، نیمی در قاره افریقا قرار دارند که در آن درآمدها در پایین ترین سطح و میزان رشد جمعیت از هر جای دیگر جهان ، بیشتر است .

